

## یک لالایی سومری (Ua-ua)

برگردان از: شیرین لارودی

این سروده<sup>۱</sup> تنها اثر شناخته شده از این نوع سبک ادبی است که از خاور نزدیک باستان به دست آمده است؛ و احتمالاً تمامی ترانه‌های است که گویا به وسیله همسر شولگی<sup>۲</sup> فرمانروای برجسته و دراز عمر سلسله سوم اور گفته شده است. آن طور که از متن بر می‌آید ظاهراً وی دلواپس و نگران بیماری یکی از پسرانش بوده است. از آنجا که این قطعه یک لالایی است، انتظار می‌رود خطابش مستقیم به کودک باشد، که البته این امر در مورد بخش اعظم این ترانه صادق است (بندهای ۶-۱۱، ۱۹-۲۳، ۳۹-۶۳، ۹۲-۱۰۰). در دیگر بخش‌های این قطعه، به نظر می‌رسد مادر به صورت تک سرایی با پسرش به صورت سوم شخص سخن می‌گوید (بندهای ۱-۵، ۲۴-۳۸، ۶۴-۹۱). در یک عبارت، مادر خطابش به «خواب» است و بدان تجسمی انسانی می‌بخشد (بندهای ۱۲-۱۸). شرح این قطعه ادبی به اجمال چنین است: شعر با تک سرایی حسرت بار و آرزومندانه‌ای آغاز می‌شود و در آن مادر به خود اطمینان می‌دهد که در ترانه‌ایی که می‌سراید فرزندش رشد می‌کند و فردی با استقامت می‌شود (بندهای ۱-۵). پس از آن مادر، ظاهراً، سعی دارد روحیه پسرش را تقویت کند و چنین است که در باره مراقبت از وی و خوابی که بزودی بر او چیره می‌شود به او قول می‌دهد (بندهای ۶-۱۱). آنگاه که از خواب نام می‌برد، مستقیماً خواب را مخاطب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد تا چشمان هوشیار پسرش و نیز زبان غان و غون کننده‌اش را ببندد (بندهای ۱۲-۱۸)؛ سپس مادر باز متوجه پسر بیمارش می‌شود و به او قول می‌دهد تا تکه‌هایی از پنیر شیرین را برای درمانش به او بدهد، چرا

<sup>۱</sup> - این متن ترجمه‌ای است از کتاب زیر:

Pritchard, B. James., *The Ancient Near East*, vol. II, a New Anthology of Texts and Pictures, 1975, pp.215-217.

<sup>۲</sup> - شولگی دومین شاه از سلسله سوم اور و پسر اورنمو موسس این سلسله است. این شاه ۴۸ سال (۲۰۹۴-۲۰۴۷ پ.م) حکومت کرد. از ویژگی‌های دوره شاهیست توسعه و تعمیر معابد به ویژه زیگورات بزرگ اور، توسعه قلمرو، توسعه اقتصادی، ایجاد یک نظام دیوانسالاری متمرکز مبتنی بر مالیات، توسعه نظام اداری و حقوقی، ساخت دیوارهای دفاعی و ایجاد راه و منزل‌های میان راهی برای استراحت بود. از ویژگی‌های دینی عصر او «خدا انگاری» وی بود که در میان رودان بی‌سابقه بود. در عصر او تصنیف‌های ادبی مشهور به «سرودهای سلطنتی» در ستایش شولگی به عنوان یک «شاه مثالی، جوان، نیرومند، سرباز خوب و پدر مردم و شاهی فرهیخته» توسعه یافت. گویا در دوهای استقامت هم شهرتی داشته؛ احتمالاً او و دو همسرش، همسر نخست به نام شولگی-شیمتی، Shulgi-Shimti که فعالیت‌های اقتصادی بسیار داشته و بسیار با نفوذ در دربار و احتمالاً لالایی فوق از اوست و دیگری گمه نین- ليله، Geme-Ninlila، که عنوان بانوی سلطنتی دربار داشته و احتمالاً به سبب عنوان مبهم Lukur او را همسر دوم شولگی دانسته‌اند.

که او کسی نیست جز پسر شولگی (بندهای ۲۴-۲۶). مادر در ادامه می‌افزاید که از کاهویی که خوب آبیاری شده نیز بدو می‌خوراند (بندهای ۲۴-۲۶). در ادامه ترانه، مادر خود را در مقامی می‌بیند که برای پسرش، همسری دوست داشتنی و فرزندی آرزو می‌کند که به وسیله دایه‌ای شاد و سرزنده نگهداری می‌شود (بندهای ۲۷-۳۸). سپس نگرانی در مورد پسرش بر او چیره می‌شود و در تک سرایی بعدی، مستقیماً پسرش را خطاب قرار می‌دهد و ظاهراً در رویای اضطراب‌آوری او را مرده‌ای تصور می‌کند که عزاداران حرفه‌ای و حشرات خزنده اطرافش را گرفته‌اند (بندهای ۳۹-۵۰). پس از آن، در بخشی مجزا و مبهم، مجدداً «خواب» مخاطب قرار گرفته (بندهای ۵۱-۵۶) و مادر برای پسرش همسر و پسری آرزو می‌کند. غلات فراوان، فرشته‌ای نیکو خصال و حکومتی مملو از شادی و شغف (بندهای ۵۷-۶۳). پس از آن یک بخش مجزا و مبهم و پیچیده دیگر می‌آید که دو سطر آن درباره درخت نخل است (بندهای ۶۴-۹۱)؛ مادر باری دیگر توجه خود را به پسرش که پادشاه آتی خواهد بود معطوف می‌کند و به او هشدار می‌دهد که در کنار اور و ارخ باقی بماند، دشمن را که سگی است که اگر مرعوب نشود او را قطعه قطعه خواهد کرد، دستگیر و دریند کند (بندهای ۹۲-۱۰۰).

### اووه اووه (Ua-ua)

با نغمه شادی بخشم- او تنومند خواهد شد،

با نغمه شادی بخشم- او بزرگ خواهد شد،

چونان درخت/بیرینه<sup>۱</sup>، ریشه‌اش تنومند می‌شود،

چونان گیاه شکیر<sup>۲</sup> پیشانی بلندی خواهد داشت،

ای خداوندگار، از ... می‌دانی ...،

در میان آن درخت‌های سیب شکوفا که به ردیف، در کنار رودخانه ایستاده‌اند،

آن که ... دستش را بر فراز تو می‌گسترده،

پسرم، نزدیک است که خواب بر تو چیره شود،

نزدیک است که خواب ترا در بر بگیرد.

(۱۰)

<sup>۱</sup>- irina

<sup>۲</sup>- šakir

خواب نزدیک شو، خواب نزدیک شو،

نزد پسر م بیا،

خواب با شتاب نزد پسر م بیا،

چشمان بیقرارش را به خواب ببر،

دست را بر چشمان (سرمه کشیده‌اش) بگذار،

و نیز زبان غان و غون/اش را،

نگذار غان و غونش خواب را از چشمش دور کند.

او دامت را با/میر<sup>۱</sup> پر می کند،

من- من تکه‌های کوچک پنیرت را برای شیرین خواهم کرد،

(۲۰)

همان تکه‌های کوچک پنیری که شفادهنده آدمی است،

شفا دهنده مردی، پسر خداوندگار،

پسر خداوندگار شوگی.

باغ من از کاهویی است که سیراب شده،

همان کاهوی گاکول<sup>۲</sup> ...،

خداوندگار آن کاهو را می خورد،

با نغمه شادی بخشم- او را همسر خواهم داد،

او را (همسری) خواهم داد، او را (پسری) خواهم داد،

آنگاه دایه‌اش، با قلبی شادمان، با او به صحبت می نشیند،

دایه‌اش، با قلبی شادمانه، او را شیر خواهد داد،

(۳۰)

من- من همسری برای پسر م خواهم گرفت،

او برایش پسری (می آورد) بس شیرین،

همسرش در آغوش گرمش می آرماد،

<sup>۱</sup>- emmer

<sup>۲</sup>- gakkul

پسرش در میان بازوان گشوده‌اش آرام خواهد گرفت،  
همسرش شاد خواهد بود با او،  
پسرش شاد خواهد بود با او،  
همسر جوانش در آغوشش شادمانی می‌کند،  
پسر بر زانوی دل انگیزش خواهد بالید،  
تو در رنج هستی،  
من در اضطرابم،

(۴۰)

زبانم بند آمده، به ستارگان می‌نگرم،  
ماه نو چهره‌ام را نورانی کرده است،  
استخوان‌هایت بر روی دیوار قرار گرفته‌اند،  
«مرد روی دیوار» برایت اشک می‌ریزد،  
سوگواران برایت زخمه بر چنگ خواهند زد،  
گکو<sup>۱</sup> برایت گونه‌هایش را چنگ خواهد زد،  
مگس ریش‌ترا خواهد کند،  
مارمولک برایت زبانش را می‌گزد،  
آن که «رویش ایجاد می‌کند»، باشد که، این رویش را پیرامون تو بگستراند،  
آن که رنج را می‌گستراند، رنج را به اطرافت بگستراند،

(۵۰)

(بندهای ۵۱-۵۶ به صورت قطعات پراکنده است)

باشد که همسرت تکیه گاهت شود،  
باشد که پسرت تقدیرت شود،  
باشد که غله باد داده جو عروست شود،

---

<sup>۱</sup> - gekko

باشد که *اشنان*<sup>۱</sup>، *الهه کوسو*<sup>۲</sup>، هم پیمانت شود،  
باشد که فرشته نگهبان سخندانی داشته باشی،  
باشد که فرمانروایی شادکام باشی،  
باشد که ضیافت‌هایت باعث درخشش پیشانیت باشد،  
(بندهای ۶۴-۹۱ به صورت قطعات پراکنده است)

و تو در خواب بیارام،  
شاخه‌های درخت نخلت را آرایش بده،  
ترا مانند ... پر از شادمانی خواهد کرد،  
در کنار اور چونان دیو-*هولبا*<sup>۳</sup> برافراشته بمان،  
در کنار ارخ چونان دیو- ... برافراشته بمان،  
دهان سگ را چونان دیو ... بگیر،  
بازوانش را با توری از نی محبوس نگه‌دار،  
بگذار تا سگان در برابرت بر خود بلرزند،  
مبادا پشتت را چونان کیسه‌ای از هم بدرد.  
(باقیمانده متن بسیار قطعه قطعه شده است)

شادکام

1- ashnan

2- kusu

3- uldubba